

بررسی تأثیر کوتاه‌مدت و بلندمدت اندازه دولت بر رشد اقتصادی ایران طی ۱۳۹۰-۱۳۵۳ (با استفاده از آزمون کرانه‌ها)

بهزاد علی‌پور*، مهدی پدرام** و ایمان چرغانیان***

تاریخ دریافت: ۶ آذر ۱۳۹۱ تاریخ پذیرش: ۱۶ تیر ۱۳۹۲

در این مطالعه تأثیر کوتاه‌مدت و بلندمدت اندازه دولت بر رشد اقتصادی ایران با استفاده از آمارهای موجود در سری زمانی ۱۳۹۰-۱۳۵۳ اندازه‌گیری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاصل از برآورد الگو با استفاده از روش خود توضیحی با وقفه‌های گسترده^۱ (ARDL) و آزمون کرانه‌های پسران، شین و اسمیت^۲ نشان می‌دهد که الگوی پویای ما به سمت الگوی بلندمدت حرکت می‌کند. همچنین نتایج الگوی تصحیح خطا بیانگر اینست که به میزان ۵۹ درصد از میزان انحراف در مدل مورد نظر، از مسیر بلندمدت خود توسط متغیرهای الگو در هر دوره تصحیح می‌شود. نتایج تخمین بلندمدت تحقیق نشان می‌دهد که بین متغیرهای قیمت نفت و درآمدهای نفتی و نسبت سرمایه‌گذاری به GDP حقیقی به عنوان متغیرهای مستقل با متغیر رشد اقتصادی به عنوان متغیر وابسته رابطه مثبت و بین متغیر اندازه دولت و متغیر مجازی سالهای جنگ و انقلاب با متغیر وابسته، رابطه منفی وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: اندازه دولت، رشد اقتصادی، قیمت نفت، سرمایه‌گذاری، ARDL.

طبقه‌بندی JEL: O49، O47، E24.

* کارشناس ارشد رشته علوم اقتصادی و مدرس دانشگاه پیام نور واحد اهواز
Behzad_a2005@yahoo.com
** دانشیار دانشگاه الزهرا
mehdi_pedram@yahoo.com
*** کارشناس ارشد رشته علوم اقتصادی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات خوزستان
imani82@yahoo.com

1. Auto Regressive Distributed Lag
2. Bound Testing Approach Pesaran, Shin and Smith

۱. مقدمه

بعد از جنگ جهانی دوم در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، طی چند دهه، افزایش مداخله دولت در اقتصاد و به تبع آن بزرگتر شدن اندازه آن رواج یافت. عقیده عمومی بر آن بود که دستیابی به رشد اقتصادی بدون دخالت دولت یا ممکن نیست و یا دست کم مدت زمان زیادی به طول می‌انجامد. با ظهور مکاتبی چون مکتب پولی^۱ (مکتب شیکاگو) و مکتب اقتصاد کلان طرف عرضه^۲ این عقیده با تردیدهایی روبرو شد، به طوری که امروزه گرایش زیادی به سمت کاهش نقش دولت و اندازه آن در بین کشورهای مختلف، بویژه کشورهای توسعه‌یافته به وجود آمده است.

موافقین کوچک شدن اندازه دولت معمولاً ادعا می‌کنند که اندازه بزرگتر دولت مانع رشد اقتصادی است. به عقیده این گروه فعالیت‌های اقتصادی دولت با عدم کارایی همراه است، بخش غیردولتی در انجام وظایف بهتر از بخش دولتی عمل می‌نماید، سیاست‌های پولی و مالی دولت ممکن است باعث کاهش فعالیت‌های اقتصادی بخش غیردولتی گردد و تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی دولت ممکن است تأثیر منفی بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بگذارد. در مقابل، طرفداران حضور گسترده دولت در اقتصاد، به نقش دولت در زمینه ایجاد و تکمیل زیرساخت‌های اقتصادی-اجتماعی، تأمین امنیت اقتصادی و اجتماعی، محافظت و نگهداری از محیط زیست، بهبود و پیشرفت تکنولوژی، گسترش آموزش و پرورش (سرمایه‌های انسانی) و غیره اشاره نموده و خواستار افزایش مخارج دولت برای تحقق هر چه بیشتر رشد اقتصادی می‌باشند.

از آنجا که در مورد تأثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی دیدگاه‌های متفاوتی مطرح می‌باشد و با توجه به دولتی بودن اقتصاد در ایران و انجام بیشتر فعالیت‌های اقتصادی توسط بخش دولتی، در این تحقیق سعی بر آن است که تأثیر بلندمدت و کوتاه‌مدت اندازه دولت بر رشد اقتصادی ایران طی دوره ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۰ مورد بررسی قرار گیرد. فرضیات مورد نظر در این تحقیق عبارتند از:

- تأثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی در ایران طی سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۰ منفی است.
- تأثیر قیمت نفت بر رشد اقتصادی ایران طی سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۰ مثبت است.
- تأثیر درآمدهای نفت بر رشد اقتصادی ایران طی سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۰ مثبت است.

1. Monetary School

2. Supply Side

بررسی تأثیر کوتاه‌مدت و بلندمدت اندازه دولت بر رشد اقتصادی ... ۲۹

- تأثیر مخارج سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بر رشد اقتصادی در طی سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۰ مثبت می‌باشد.
- متغیر مجازی سال‌های جنگ و انقلاب دارای تأثیر منفی بر رشد اقتصادی طی سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۰ می‌باشد.
- میزان تأثیرگذاری اندازه دولت بر رشد اقتصادی در بلندمدت بیشتر از کوتاه‌مدت می‌باشد (از نظر قدر مطلق).

۲. مبانی نظری

۲-۱. دیدگاه مکاتب اقتصادی و اقتصاددانان در خصوص اندازه دولت و رشد اقتصادی

۲-۱-۱. دیدگاه کلاسیک‌ها در رابطه با فعالیت‌های اقتصادی دولت

این دیدگاه، مدافع برتری سیستم بازار آزاد و مخالف مداخله دولت در اقتصاد است. تفکر اقتصاد کلاسیک، به آدام اسمیت^۱ اقتصاددان قرن هجدهم نسبت داده می‌شود. نظریه کلاسیک‌ها، بیشتر به فلسفه عدم مداخله دولت متکی است (سوری، ۱۳۸۱). کلاسیک‌ها معتقدند که تأمین نظم اقتصادی، خودبه‌خود به صورت طبیعی و خودکار به وسیله دست‌های پنهان انجام می‌پذیرد. این دست‌های پنهانی، سازوکار قیمت است و دولت در عملکرد این مکانیزم نباید هیچ دخالتی داشته باشد. اولین اصل مکتب کلاسیک‌ها عدم مداخله دولت در امور اقتصادی است. آنها معتقدند که طبیعت دولت منافی با مشاغل اقتصادی بوده و می‌گویند: هیچ دو صفتی چنان معارض یکدیگر نیستند که صفت حاکم و صفت تاجر؛ حکومت‌ها همیشه و بدون استثناء بزرگترین ولخرج‌های جامعه هستند. دولت پولی را خرج می‌کند که دیگران به دست آورده‌اند و هر کس همیشه در مورد مصرف پول دیگران ولخرج‌تر از پول خود می‌باشد (بدن، ۱۳۵۶)

نظریه پردازان کلاسیک اقتصادی بر این باور بودند که فعالیت اقتصادی انسان بدون آن که خود او بخواهد و یا بداند مطابق مصلحت و نفع جامعه است و در نتیجه آزادی، موجبات افزایش مطلوب در رفاه اجتماعی را فراهم می‌کند و بهتر از هر قانون و مقرراتی افراد را به رعایت مصالح یکدیگر و جامعه وامی‌دارد. صاحب‌نظران مکتب اقتصادی کلاسیک دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی را مورد انتقاد قرار می‌دهند و آن را مانع رسیدن به رشد اقتصادی مطلوب می‌دانند.

1. Adam Smith

۲-۱-۲. دیدگاه سوسیالیستی در رابطه با فعالیت‌های اقتصادی دولت

دیدگاه سوسیالیستی از آغاز قرن نوزدهم در مقابل نارسایی‌های عقاید کلاسیک‌ها به وجود آمد. وجود نارسایی نظام اقتصادی مبتنی بر دیدگاه اقتصاددانان کلاسیک در آن دوره، باعث استثمار کارگران توسط کارفرمایان شد و شکاف و فاصله طبقاتی روزبه‌روز زیادتر گردید و موجبات بروز بحران‌های ملی در اروپا را فراهم آورد. در این راستا، سیسموندی^۱ در مورد مالکیت و دولت معتقد بود که مالکیت یک حق طبیعی نیست بلکه نوعی انحصار به شمار می‌آید که مخلوق انسان است، به طوری که سبب دشواری‌ها و خطراتی نیز می‌گردد. با این حال نباید تصور کرد که حق مالکیت باید معدوم و منسوخ گردد و بنابراین، حق مالکیت تا جایی محترم است که مفید حال عموم افراد جامعه باشد (شکیبایی، ۱۳۷۸).

نتیجه‌گیری و غیرقابل اجتناب این دیدگاه، هواداری از مداخله دولت در امور اجتماعی و اقتصادی به منظور تأمین حقوق و وظایف ناشی از مالکیت و جلوگیری از سوء استفاده‌های ممکن و یا محتمل در این زمینه است. در اقتصاد سوسیالیستی یا جمع‌گرا، دیگر بازار به معنای معمول و مورد نظر اقتصاددانان کلاسیک وجود ندارد. این نظام اقتصادی کماکان یک اقتصاد مبادله‌ای است به این معنا که افراد همواره کالاهایی را که در آن تخصص دارند تولید می‌کنند و آن را با سایر کالاهایی که از تولیدشان صرف‌نظر کرده‌اند مبادله می‌کنند. اما این مبادلات دیگر در بازار صورت نمی‌گیرد تا عرضه و تقاضا با هم برخورد کنند و قیمت و مقدار تعادلی معلوم گردد. مبادلات در شرایطی انجام می‌شود که مقامات دولت آمرانه کالایی را که باید تولید شود و وظایف هر کس و سهم او را از درآمد ملی تعیین می‌کنند. بنابراین، به این نوع تصمیم‌گیری در تولید و توزیع کالاها و خدمات اقتصاد متمرکز یا برنامه‌ای گویند (شکیبایی، ۱۳۷۸).

۲-۱-۳. نظریه کینز در رابطه با فعالیت‌های اقتصادی دولت

نظریه‌های جان مینارد کینز^۲ از اواسط دهه ۱۹۲۰ به تدریج در انگلستان و سپس در دیگر کشورهای اروپا رواج یافت و در سال ۱۹۳۶ با انتشار کتاب «نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول» شهرت جهانی کسب نمود. نظریه‌های کلاسیک علم اقتصاد نتوانسته بود برای وضع بحرانی که جهان در سال ۱۹۳۰ با آن روبرو بود توجه کافی و قانع‌کننده بیابد. در حقیقت استدلال کینز در

1. Sismondi

2. Joan Maynard Keyens

بررسی تأثیر کوتاه‌مدت و بلندمدت اندازه دولت بر رشد اقتصادی ... ۳۱

آن هنگام، ناقص نظریه اشتغال کامل کلاسیک‌ها بود و در ضمن، ضرورت مداخله دولت را در امور اقتصادی به منظور تأمین کار برای همه و نیل به رونق اقتصادی، اجتناب‌ناپذیر می‌دانست. به نظر وی اگر دولت خواهان اشتغال کامل عوامل تولید و تأمین کار برای همه افراد جامعه است، نباید دست روی دست بگذارد و چشم به راه آغاز مجدد مرحله رونق دوران اقتصادی باشد. بلکه باید با تدابیر مؤثر، سطح تقاضا برای مصرف و حجم سرمایه‌گذاری را به حد لازم برای تأمین اهدافی مانند اشتغال کامل و رسیدن به رشد اقتصادی حتی به قیمت ایجاد کسری بودجه، فراهم نماید. تأمین اشتغال کامل و کار برای همه به مراتب مهمتر از تعادل در درآمدها و هزینه‌های دولت است.

کینز در مورد فواید هزینه‌های دولت عقیده دارد، اگر در یک کشور در حال توسعه که با مشکل پس‌انداز روبرو است و سرمایه‌گذاری‌های بخش دولتی، رقیب بخش خصوصی در جلب اندوخته‌ها و پس‌اندازها به شمار می‌رود، باید در حدود دخالت دولت، شرط احتیاط را به جا آورد. تا این جا اختلاف نظر اساسی با کلاسیک‌ها وجود ندارد و آنها نیز ضرورت انجام بعضی از طرح‌ها مانند راه‌سازی، بندرسازی و حتی احداث تعدادی از مدارس و بیمارستان‌ها را به وسیله دولت، قبول می‌کردند. ولی معتقد بودند که هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های دولت باید حتماً محدود باشد تا برای بخش خصوصی امکان گسترش و توسعه فعالیت باقی بماند. کینز عقیده داشت که این استدلال کلاسیک‌ها تا هنگامی و در موقعیتی درست است که سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و مصرف ملی، برای تأمین کار برای همه کافی باشد. در غیر این صورت سرمایه‌گذاری بخش دولتی به منظور جبران عدم کفایت تقاضای مؤثر، امری لازم، ضروری و مفید است. در صورت وجود بیکاری، سرمایه‌گذاری از طرف دولت ولو آن که به ظاهر جنبه غیرضروری نیز داشته باشد، سودمندترین روش برای نیل به اشتغال کامل عوامل تولید به شمار می‌رود (نیلی و صالحی، ۱۳۸۵).

۲-۱-۴. نظریه اقتصاددانان کلاسیک جدید در مورد فعالیت‌های اقتصادی دولت

نظریه کلاسیک‌های جدید که انتظارات عقلایی^۱ را محور بررسی‌های خود قرار می‌دهند، متکی به نظریه‌های اقتصادی کلاسیک‌ها است. بنیاد و اساس این مکتب در اواخر دهه ۱۹۶۰ توسط اقتصاددانان آمریکایی مخصوصاً رابرت لوکاس^۲ و توماس سارجنت^۳ پایه‌ریزی شد. مهمترین

1. Rational Expectations

2. Robert Lucas

3. Tomas Sargent

ویژگی این مکتب علاوه بر تأکید فراوان بر انسان عقلایی، این است که اساساً فرض‌های متفاوتی را در مورد بخش عرضه اقتصاد لحاظ می‌کنند. در الگوی کینزی با توجه به عدم تسویه خود به خود بازارها، قانون کینز عمل می‌کند، یعنی تقاضا عرضه خود را ایجاد کرده و لذا عرضه کل تولید به سطح تقاضای مؤثر وابسته است. در مکتب کلاسیک‌های جدید، عرضه به قیمت نسبی کالاها و خدمات وابسته است و در این راستا، مقدار تقاضا از اولویت چندانی برخوردار نیست. براساس نظریه انتظارات عقلایی، واحدهای تصمیم‌گیری در اقتصاد مانند تولیدکننده و مصرف‌کننده، با استفاده از ارزیابی اطلاعات و میزان آگاهی‌های موجود تصمیم درست، صحیح و عقلایی را اتخاذ می‌کنند. طبق این نظریه، فعالیت‌های اقتصادی دولت در تأمین ثبات اقتصادی و پایدار و دوره زمانی بلندمدت، باید با رعایت قواعدی که قبلاً محاسبه، برنامه‌ریزی و معلوم شده است، انجام پذیرد و دولت از مداخله مستمر در فعالیت‌های اقتصادی خودداری نماید. دخالت مستمر دولت در اقتصاد با استفاده از ابزار سیاست‌های پولی و مالی نمی‌تواند تأثیری قابل ملاحظه بر روی ثبات قیمت و تولید بگذارد. لذا تدابیر و تصمیم‌های اقتصادی که از طرف دولت گرفته می‌شود باید به صورت تدریجی نه به صورت آنی و ناگهانی در اقتصاد صورت گیرد (تفضلی، ۱۳۷۵).

۲-۱-۵. نظریه کینزی‌های جدید در مورد فعالیت‌های اقتصادی دولت

برخلاف تفکر کلاسیک‌های جدید مبنی بر به بن‌بست رسیدن انقلاب کینزی، کینزین‌های جدید^۱ معتقدند که تحلیل‌ها و سیاست‌های کینزی اعتبار خود را حفظ کرده و هنوز پاسخگوی مسائل اقتصادی جاری است. اصول اصلی اقتصاد کینزی توسط اقتصاددانان طرفدار وی به ویژه رابرت سولو^۲ (۱۹۵۶) و فرانکو مودیگلیانی^۳ (۱۹۵۷) توسعه یافته است. آنها طرفدار سیاست مالی هستند ولی معتقدند که استفاده فعال از سیاست پولی به جای سیاست رشد مداوم عرضه پول مکتب کلاسیک جدید، نیز برای مقابله با نوسان‌های اقتصادی مفید است (تفضلی، ۱۳۷۵).

چنانکه ملاحظه می‌شود، هدف کینز نقد نظریه‌های اقتصاد کلان کلاسیک‌ها و طرفداران آنها در قرن نوزدهم به دلیل تغییر در شرایط زمان و مکان است. این نقد موجب شد که نظریه‌های جدیدی جایگزین نظریات کلاسیک‌ها شود. کینز در نقد نظریات کلاسیک‌ها کاملاً موفق بود، به

1. New Keynesian School

2. Robert Solow

3. Franco Modigliani

بررسی تأثیر کوتاه‌مدت و بلندمدت اندازه دولت بر رشد اقتصادی ... ۳۳

طوری که در سال‌های پس از انتشار کتاب نظریه عمومی، اقتصاددانان نئوکلاسیک که از عقاید کلاسیک‌ها طرفداری می‌کردند، به مرور زمان به اقتصاددانان کینزی که از عقاید کینز دفاع می‌کردند، نزدیک شدند. نزدیکی عقاید این دو دسته از اقتصاددانان موجب شد که دسته اول اقتصاددانان در قالب عقاید اقتصاددانان نئوکلاسیک معاصر و عقاید دسته دوم در قالب عقاید اقتصاددانان نئوکینزی معاصر متشکل و ظاهر شود. طبق دیدگاه این گروه، دولت باید سیاست‌های پولی و مالی را برای رسیدن به یک رشد اقتصادی مطلوب اجرا کند.

۲-۱-۶. نظریه مکتب پولی (پول‌گرایان) در مورد فعالیت‌های اقتصادی دولت

تحولات اقتصادی بعد از کینز، کارشناسان پولی جهان را به سوی این تفکر سوق داد که جریان پول را به سطح اشتغال مرتبط سازند و آن را وابسته به نرخ بهره و عامل تعیین‌کننده درآمد بدانند. در واقع با پذیرش همبستگی بین بازار پول و بازار کالا رد دیدگاه‌های قانون سی اعلان گردید. مکتب شیکاگو، گرچه در مرحله اول تحت عنوان مکتب پولی به ریاست میلتون فریدمن^۱ پرچمدار احیای نقش پول و سیاست‌های پولی و سپس به عنوان معرف نظریه مقداری جدید شهرت یافته است، اما در عین حال پرچمدار ایدئولوژی سیاسی اقتصادی خاصی است. این مکتب معیارهایی مانند آزادی فعالیت اقتصادی، سیاست آزادی کسب و کار، حاکمیت بازار آزاد و دفاع بی‌قید و شرط از انگیزه‌های سود و سرمایه‌گذاری و عدم مداخله دولت در امور اقتصادی را لازم دانسته و از آنها به عنوان اصول اولیه نظام بازار طرفداری می‌کند. فریدمن را می‌توان یک اقتصاددان کلاسیک معاصر محسوب نمود و همچنین از آنجا که وی در اصل با توسل به نظریه مقداری پول نئوکلاسیک‌ها تفسیر تازه‌ای از آن ارائه داده است، نظریات فریدمن را می‌توان به عنوان رستاخیزی از اقتصاد نئوکلاسیک دانست و او را یکی از اقتصاددانان نئوکلاسیک معاصر به شمار آورد. فریدمن مدافع آزادی فردی برای تصمیم‌گیری اقتصادی است. در این رابطه فریدمن عقاید خود را در کتاب سرمایه‌داری و آزادی مورد بررسی قرار داده و ضمن تحلیل رابطه بین آزادی‌های اقتصادی و آزادی‌های سیاسی، وظایف دولت را مشخص می‌کند. به نظر فریدمن، اقتصاد از سیاست جدا نیست و سرمایه‌داری شرط لازم برای برقراری آزادی سیاسی است، در نتیجه آزادی سیاسی نمی‌تواند بدون آزادی اقتصادی پابرجا باشد (صیادزاده، ۱۳۸۳، ص ۵۶).

1. Milton Friedman

مکتب پولی به رهبری فریدمن، وظایف دولت را براساس نقطه‌نظر کلاسیک‌ها می‌پذیرد و وظایف دیگری را نیز به آنها می‌افزاید. لیکن به فلسفه کینز و اقتصاددانان طرفدار کینز در مورد نقش دولت در نظام سرمایه‌داری معتقد نیست و از آنجا که دولت آزادی فرد و جامعه را دچار مخاطره می‌کند، همواره از گسترش وظایف و فعالیت دولت بیم دارد. فریدمن معتقد است که نقش اساسی دولت در یک جامعه آزاد، تجهیز وسایل لازم برای تغییر شکل قوانین و ایفای نقش واسطه و میانجی است. به عقیده فریدمن نظام بازار نظام مؤثری است که می‌تواند بسیاری از مسایل و مشکلات را حل و فصل کند، به شرط آن که نقش دولت به عنوان عامل ضد انحصار همواره حفظ شود (لاژوژی، ۱۳۶۷).

۲-۲. اندازه دولت و رشد اقتصادی

در مورد اندازه و مداخله اقتصادی دولت بین اقتصاددانان و دولتمردان از دوره کلاسیک‌ها تاکنون همچنان بحث‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. بعد از ناکامی اقتصاددانان کلاسیک در مقابله با بحران بزرگ جهانی از اوایل دهه ۱۹۳۰ با دخالت دولت در اقتصاد هزینه‌های بخش دولتی افزایش یافت. نتیجه مداخله دولت در اقتصاد در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در کشورهای صنعتی، همرا با رشد قابل توجهی بود. از اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی بین اقتصاددانان در خصوص ارتباط بین مخارج دولت و رشد اقتصادی بحث‌های دامنه‌داری مطرح شد.

برخی اقتصاددانان از جمله میردال^۱، تأکید می‌کنند که دخالت بیشتر دولت در اقتصاد می‌تواند رشد اقتصادی را تقویت کند؛ زیرا با درگیر کردن دولت در اقتصاد امکان کاهش نابرابری‌های اجتماعی فراهم می‌گردد. کاهش نابرابری‌های اجتماعی را می‌توان یکی از عوامل تعیین‌کننده رشد تلقی نمود؛ زیرا نابرابری اجتماعی فرصت‌های پیش روی افراد کم‌درآمد، جهت استفاده از استعدادها آنها را محدود می‌کند.

در مقابل، برخی پژوهشگران اقتصادی بر این واقعیت تأکید کرده‌اند که گسترش بیش از اندازه در فعالیت دولت، ممکن است تولید و انباشت سرمایه بخش خصوصی را کاهش داده و با محدود شدن بخش خصوصی، زمینه‌های کند شدن رشد اقتصادی فراهم می‌گردد. به عنوان مثال، افزایش تقاضای دولت برای نیروی کار، باعث افزایش دستمزدهای حقیقی می‌گردد و در نتیجه بر اشتغال بخش خصوصی می‌تواند تأثیر نامساعدی به همراه داشته باشد (شکیبایی، ۱۳۷۸).

1. Myrdal

بررسی تأثیر کوتاه‌مدت و بلندمدت اندازه دولت بر رشد اقتصادی ... ۳۵

در خصوص اندازه دولت و رشد اقتصادی، اکثر اقتصاددانان بر این باورند که میزان مطلوب دخالت دولت در اقتصاد، با توجه به مباحثی مانند وجود کالاها و خدمات عمومی، آثار و پیامدهای خارجی، انحصارهای طبیعی و رفع نارسایی‌های بازار رقابت کامل و در جهت تقویت و رشد اقتصادی مطرح می‌گردد.

براساس مطالعات بارو^۱ در دهه ۱۹۹۰، مخارج دولت در حوزه‌های یاد شده در بالا مخارج مولد نامیده می‌شود. همچنین، بارو اضافه می‌نماید، برداشت دولت از تولید ناخالص داخلی که تحت عنوان مالیات و در حوزه‌هایی به جز مخارج آموزش، امنیت و دفاعی صورت می‌گیرد، بر رشد تولید سرانه اثر منفی دارد.

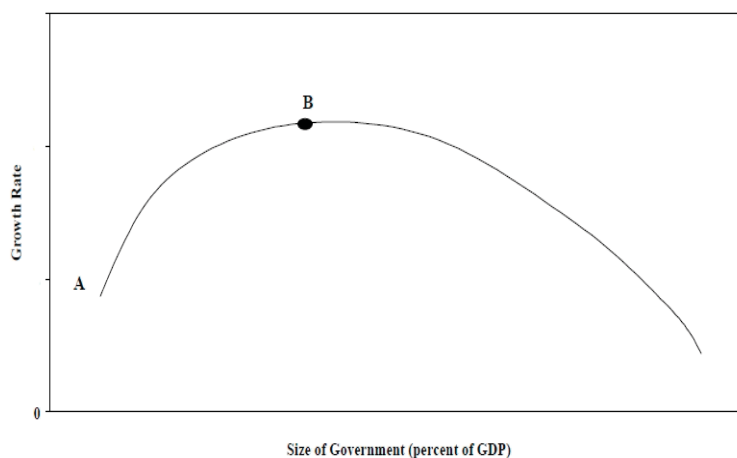
در نمودار ۱ نشان داده می‌شود که تا نقطه B، با افزایش اندازه دولت، رشد اقتصادی افزایش یافته است که شاید دلیل این پدیده را در نظریه واگنر^۲ از اقتصاددانان قرن نوزدهم که بعدها به قانون واگنر معروف گردید، می‌توان جستجو کرد. بر طبق آن، با رشد درآمد سرانه در اقتصاد، اندازه نسبی بخش عمومی نیز افزایش می‌یابد. به نظر می‌رسد که لااقل به دو دلیل، تا اندازه‌ای دولت‌ها نیاز به بزرگ شدن دارند:

الف- هر چه به سمت دولت رفاه پیش می‌رویم، با افزایش سطح انتظارات مردم در مورد امنیت، آموزش، بهداشت و ... دولت برای پاسخگویی به این انتظارات، باید هزینه‌هایی را انجام داده و کارآیی و بهره‌وری را افزایش دهد.

ب- با حرکت به سمت دولت رفاه، سازمان‌های دولتی از جمله سازمان‌های تأمین اجتماعی، بازنشستگی و...، تمایل به توسعه و گسترده شدن دارند. اما پس از نقطه B هر چه اندازه دولت بزرگتر می‌شود، رشد اقتصادی هم کاهش می‌یابد و این بدان معناست که افزایش اندازه دولت تا حدی به رشد اقتصادی کمک می‌کند اما بعد از این مرحله، گسترش فعالیت‌های دولت، منجر به کاهش رشد اقتصادی خواهد شد.

1. Barro

2. Wagner



نمودار ۱. رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی

در مجموع به نظر می‌رسد که افزایش مستمر در مخارج دولت تأثیر منفی بر رشد اقتصادی به ویژه در کشورهای ثروتمند داشته است و به عبارت دیگر، دولت بزرگتر به معنای رشد اقتصادی آهسته‌تر می‌باشد (گوآرتنی و همکاران، ۱۹۹۸).^۱

۳. پیشینه تحقیق

اغلب مطالعات انجام شده در خصوص اندازه دولت، حول دو محور اساسی تأثیر اندازه دولت بر روی رشد اقتصادی و اندازه بهینه دولت پرداخته‌اند. بسیاری از مطالعات حدود دخالت دولت در اقتصاد را برای متغیرهای کلان اقتصادی از جمله نرخ رشد اقتصادی مضر می‌دانند و برخی دیگر دخالت دولت در اقتصاد را ضروری و مثبت می‌دانند.

۳-۱. مطالعات خارجی

گوررو و پارکر^۲ (۲۰۰۸) به بررسی اندازه دولت و رشد اقتصادی در آمریکا بین سال‌های ۱۹۷۲ تا ۲۰۰۴ با استفاده از روش علیت گرنجری پرداختند. نتایج آنها نشان داد که دولت بزرگتر منجر به کاهش رشد اقتصادی در آمریکا خواهد شد. یاک^۳ (۲۰۰۵) و فولستر و هندرسون^۴ (۲۰۰۶) در

1. Gwartney J., Lawson R., and Holcombe R

2. Guerrero and Parker

3. Yak

4. Folster and Henderson

بررسی تأثیر کوتاه‌مدت و بلندمدت اندازه دولت بر رشد اقتصادی ... ۳۷

مطالعات جداگانه ای به این نتیجه رسیدند که تأثیر مخارج دولت بر رشد اقتصادی منفی است. بر طبق نظر آبرامز^۱ (۱۹۹۹)، فلدمن^۲ (۲۰۰۶) و لی و یوآن^۳ (۲۰۰۰) با افزایش اندازه بخش عمومی، بخش خصوصی کوچکتر خواهد شد. بنابراین، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی کاهش می‌یابد و در نتیجه، بهره‌وری و نرخ رشد اقتصادی کاهش خواهد یافت. یاسین^۴ (۲۰۰۱) در بررسی ارتباط بین مخارج دولت و رشد اقتصادی با استفاده از داده‌های پانل برای کشورهای آفریقایی در دوره زمانی ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۸ به این نتیجه رسید که مخارج دولت، اثر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد. (۲۰۰۱) نشان داد که افزایش اندازه دولت باعث افزایش مصرف و در نتیجه رشد اقتصادی می‌شود. حسن علی و مارک استرازیسیچ^۵ (۱۹۹۹) در تحقیقی، اندازه بهینه دولت در کشورهای عرب حوزه خلیج فارس را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های این تحقیق نشان داد که اندازه دولت در این کشورها تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد، اما اندازه دولت در این کشورها به طور متوسط دو برابر اندازه بهینه آن است.

۲-۳. مطالعات داخلی

زیبایی و مظاهری (۱۳۸۸)، به بررسی وجود رابطه غیرخطی بین اندازه دولت و رشد اقتصادی با استفاده از تابع تولید دو بخشی توسعه یافته پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که اندازه فعلی دولت از اندازه بهینه آن عبور کرده است. بنابراین، سهم مخارج دولت از تولید ناخالص داخلی باید کاهش یابد. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که اختلاف نظر بسیاری در بررسی نتایج اندازه دولت بر رشد اقتصادی وجود دارد و می‌توان گفت که این به نوع کشور، موقعیت زمانی و حتی نوع حضور دولت در اقتصاد بستگی دارد. به عبارتی، تأثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی از کشوری به کشوری دیگر متفاوت است. نیلی و صالحی (۱۳۸۵) نشان داده‌اند که اندازه دولت در حوزه بودجه عمومی (وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی) و نیز اندازه دولت در حوزه تصدی‌ها (شرکت‌ها، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت) به طور جداگانه در قالب دو منحنی به شکل U معکوس با رشد اقتصادی و متغیرهای کلان اقتصادی مرتبط است. دخالت‌های

-
1. Abrams
 2. Feldman
 3. Li and Yuan
 4. Yasin
 5. Heitger
 6. Hassan Ali and Mark Strazicich

غیربودجه‌ای نیز به طور مطلق دارای اثر کاهنده بر رشد است. پورفرج (۱۳۸۳) در مقاله‌ای، رابطه بین مخارج دولت و رشد اقتصادی در ایران را مورد بررسی قرار داده است. نتایج این تحقیق نشان داد که اندازه جاری دولت بر رشد اقتصادی تأثیری منفی دارد و اندازه عمرانی دولت تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد. یافته‌های این تحقیق همچنین، بیانگر این موضوع است که مخارج جاری دولت در زمینه‌های آموزش عمومی، آموزش عالی و مخارج پژوهشی در کوتاه‌مدت بعد از یک یا دو تأخیر، تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارند. بنابراین، اندازه جاری دولت در اقتصاد باید کاهش یابد. عسلی (۱۳۸۳) به بررسی تأثیر افزایش مخارج دولت بر رشد اقتصادی کشور در دوره زمانی ۱۳۳۸ تا ۱۳۸۲ با استفاده از مدل دو بخشی پویا پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داد که افزایش مخارج جاری در بودجه دولت در شرایط مفروض در مدل، موجب کاهش سرمایه‌گذاری، تولید و تقاضا برای نیروی کار و افزایش بیکاری و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی می‌شود. خدارحمی (۱۳۷۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی رابطه اندازه دولت و رشد اقتصادی در ایران پرداخته است. وی در این پایان‌نامه با استفاده از تابع تولید دو بخشی و داده‌های سری زمانی مربوط به ایران طی دوره ۱۳۶۹-۱۳۳۹، به این نتیجه رسیده است که رابطه مثبتی بین رشد اقتصادی و مخارج دولت در ایران وجود دارد. یافته‌های این تحقیق همچنین، بیانگر این موضوع است که مخارج سرمایه‌گذاری دولت در مقایسه با مخارج مصرفی، تأثیر بیشتری بر رشد اقتصادی در ایران دارد. قوام مسعودی (۱۳۷۱) نیز به بررسی اثر مخارج دولت و عرضه پول بر روی نرخ بیکاری در اقتصاد ایران در دوره زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۹ پرداخته است. نتایج تحقیق وی نشان داد که افزایش مخارج دولت موجب افزایش رشد اقتصادی می‌شود.

۴. روش تحقیق

وجود همجمعی بین مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی، نه تنها به این معناست که یک رابطه بلندمدت تعادلی بین این متغیرها وجود دارد، بلکه می‌توان با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) برآورد کاملاً قابل اتکایی از ضرایب الگو را به دست آورد. به عنوان مثال، وقتی همجمعی بین دو متغیر x_t و y_t براساس آزمون‌های موجود به اثبات رسید، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که یک رابطه بلندمدت نظیر رابطه $y_t = \beta x_t + u_t$ بین این دو متغیر برقرار است که می‌توان پارامتر β به روش حداقل مربعات معمولی را برآورد کرد. متأسفانه وقتی حجم نمونه کوچک

باشد، استفاده از روش فوق در برآورد رابطه بلندمدت به دلیل در نظر گرفتن واکنش پویای کوتاه‌مدت موجود بین متغیرها، برآورد بدون تورشی را ارائه نخواهد کرد.

آزمون انگل-گرنجر دومرحله‌ای یک روش ساده و در عین حال رایج برای آزمون همجمعی است که براساس آن در مرحله اول، درجه مانایی متغیرها تعیین می‌شود. در صورت مانا بودن تمامی متغیرها از یک درجه، در مرحله دوم مانایی جملات پسماند رابطه تعادلی بلندمدت بررسی می‌شود. اگر جملات پسماند، مانا باشند، رابطه تعادلی بلندمدت وجود دارد. چون الگوی انگل-گرنجر دارای محدودیت‌های زیادی است، معمولاً از روش‌های دیگری مانند روش یوهانسن-جوسیلیوس، روش خودتوضیح برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL) و روش آزمون کرانه‌ها یا روش خودتوضیح برداری غیرمقید استفاده می‌شود (تشکینی، ۱۳۸۴).

در روش خودتوضیح برداری با وقفه‌های گسترده برای آزمون وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای الگو از دو روش می‌توان استفاده نمود. در روش اول از آماره

$$t = \left(\sum_{i=1}^p \hat{\alpha}_i - 1 \right) / \left(\sum_{i=1}^p S \hat{\alpha}_i \right)$$

الگو، این خواهد بود که قدرمطلق آماره فوق از کمیت ارائه شده توسط بنرجی، دولادو و مستر (۱۹۹۸) بزرگتر باشد. همچنین در روش دوم برای بررسی رابطه بلندمدت می‌توان از روش آزمون کرانه‌های پسران، شین و اسمیت (۲۰۰۱) مبتنی بر رویکرد تخمین مدل تصحیح خطای غیرمقید^۱ (UECM) شامل رابطه پویا و رابطه تعادلی بلندمدت استفاده کرد. در این روش برای بررسی وجود رابطه تعادلی بلندمدت در مدلی مانند $Y_t = f(X_{1t}, X_{2t}, X_{3t}, \dots, X_{nt})$ ، معادله‌ای به شکل زیر تخمین زده می‌شود:

$$\Delta Y_t = a + \sum_{i=1}^k b_{i1} \Delta Y_{t-i} + \sum_{i=1}^k b_{i2} \Delta X_{1t-i} + \sum_{i=1}^k b_{i3} \Delta X_{2t-i} + \dots + \sum_{i=1}^k b_{in} \Delta X_{nt-i} + \varepsilon_t$$

رابطه فوق را به صورت خلاصه می‌توان به صورت زیر نوشت.

$$\Delta Y_t = a + \sum_{i=1}^k b_{i1} \Delta Y_{t-i} + \sum_{j=1}^n \sum_{i=1}^k b_{ij} \Delta X_{jt-i} + \varepsilon_t$$

در این روش وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای تحت بررسی به وسیله محاسبه آماره F برای آزمون معناداری سطوح با وقفه متغیرها در فرم تصحیح خطا مورد آزمون قرار می‌گیرد. نکته مهم

آن است که توزیع F مذکور غیراستاندارد است. پسران و دیگران (۱۹۹۶) مقادیر بحرانی مناسب را متناظر با تعداد رگسورها و این که مدل شامل عرض از مبدأ و روند است یا نه محاسبه کرده‌اند. آنها دو گروه از مقادیر بحرانی را ارایه کردند: گروه اول بر این اساس است که تمامی متغیرها مانا هستند و دیگری بر این اساس است که همگی نامانا هستند که با یک بار تفاضل گیری مانا می‌شوند و اگر آماره F محاسباتی در خارج از این مرز قرار گیرد، یک تصمیم قطعی بدون توجه به این که متغیرها $I(0)$ یا $I(1)$ باشند، گرفته می‌شود. در این صورت اگر F محاسباتی فراتر از محدوده بالایی قرار بگیرد، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت رد می‌شود و اگر پایین‌تر از محدوده پایینی قرار گیرد، فرضیه صفر مذکور پذیرفته می‌شود. اگر F محاسباتی در بین دو محدوده قرار گیرد، نتایج استنباط، غیرقطعی و وابسته به این است که متغیرها $I(0)$ یا $I(1)$ باشند. تحت این شرایط، باید بر روی متغیرها آزمون‌های ریشه واحد انجام گیرد. می‌توان الگوی کوتاه‌مدت بین متغیرها را با استفاده از مکانیزم تصحیح خطا برآورد نمود. الگوی کوتاه‌مدت با تفاضل مرتبه اول متغیرها برآورد می‌گردد و برای ارتباط بین الگوی بلندمدت و کوتاه‌مدت، از جمله خطای الگوی بلندمدت با یک وقفه زمانی استفاده می‌شود (تشکینی، ۱۳۸۴).

۵. نتایج تجربی تحقیق

۵-۱. تصریح مدل

گوآرتنی و همکاران (۱۹۹۸) به بررسی رابطه بین مخارج دولتی و رشد اقتصادی در دوره ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۶ در کشورهای مختلف جهان می‌پردازند. آنها نتیجه می‌گیرند که بزرگی بیش از حد معمول دولت باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود. همچنین، وقتی اندازه دولت کوچک می‌شود، نرخ رشد اقتصادی افزایش می‌یابد.

در این تحقیق با توجه به ویژگی‌های خاص اقتصاد ایران و با توجه به اینکه درآمدهای نفتی و دولت، نقش عمده‌ای در اقتصاد دارند، از مدل گوآرتنی و همکاران (۱۹۹۸) برای بررسی ارتباط بین اندازه دولت و رشد اقتصادی در ایران که به صورت زیر تصریح می‌شود، استفاده می‌نماییم.

$$GROW_t = F(GOVS, OILP, OILQ, INVEST, DUMI)$$

در مدل فوق متغیرها به شرح زیر تعریف می‌شوند:

$GROW$: نرخ رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی براساس قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶

بررسی تأثیر کوتاه‌مدت و بلندمدت اندازه دولت بر رشد اقتصادی ... ۴۱

GOVS: اندازه دولت در اقتصاد (براساس معیار نسبت مخارج کل دولت به تولید ناخالص داخلی)

OILP: شاخص سالانه قیمت نفت خام ایران به دلار

INVEST: نسبت سرمایه‌گذاری خصوصی به تولید ناخالص داخلی

OILQ: کل درآمدهای حاصل از فروش نفت

DUMI: متغیر مجازی سالهای جنگ و انقلاب

۲-۵. آزمون ایستایی متغیرها

بکارگیری روشهای سنتی و معمول اقتصادسنجی در برآورد ضرایب مدل با استفاده از داده‌های سری زمانی بر این فرض استوار است که متغیرهای مدل، ایستا^۱ هستند. یک متغیر سری زمانی وقتی ایستا است که میانگین، واریانس و ضرایب خودهمبستگی آن در طول زمان ثابت باقی بماند. وجود متغیرهای نایستا در مدل سبب می‌شود تا آزمونهای t و F معمول از اعتبار لازم برخوردار نباشند و منجر به رگرسیون‌های جعلی شوند. از این رو در برخورد با سریهای زمانی ابتدا متغیرها از نظر ایستایی مورد آزمون قرار می‌گیرند و مدل باثبات برآورد می‌شود.

آماره مورد استفاده در این تحقیق آماره دیکی فولر تعمیم‌یافته (ADF)^۲ است. با توجه به آزمون ریشه واحد در سطح، متغیرهای نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و نسبت سرمایه‌گذاری به GDP ایستا و مابقی نایستا بودند. برای تعیین مرتبه ایستایی متغیرها، از متغیرهایی که در سطح ایستا نیستند، تفاضل گرفته می‌شود که کلیه متغیرهای نایستا پس از یک بار تفاضل‌گیری ایستا می‌شوند (به عبارت دیگر تفاضل‌گیری متغیرها این امکان را به ما می‌دهد که متغیرهای نایستا با رفع خودهمبستگی جملات خطا به متغیرهای ایستا تبدیل شوند)، از این رو متغیرهای نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و نسبت سرمایه‌گذاری به GDP، $I(0)$ می‌باشند و بقیه متغیرها $I(1)$ می‌باشند.

۳-۵. آزمون کرانه‌ها و اثبات رابطه بلندمدت

در قسمت قبل نشان داده شد که متغیرهای اندازه دولت و قیمت نفت در سطح اطمینان ۹۵ درصد ایستا از درجه یک و متغیر نرخ رشد و نسبت سرمایه‌گذاری به GDP ایستا از درجه صفر است.

1. Stationary

2. Augmented Dickey - Fuller

بنابراین، چون کلیه متغیرها از یک درجه نیستند، برای بررسی همجمعی (رابطه بلندمدت) متغیرها نمی‌توان از روش یوهانسن - جوسیلیوس استفاده کرد. در این حالت از روش خودتوضیح برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL) برای برآورد رابطه پویا، بلندمدت و تصحیح خطا استفاده می‌شود. برای بررسی همجمعی (رابطه بلندمدت) میان متغیرهای نرخ رشد GDP حقیقی ($GROW_t$)، اندازه دولت ($GOVS_t$)، نسبت سرمایه‌گذاری به GDP ($INVEST_t$)، قیمت نفتی ($OILP_t$)، درآمدهای نفتی ($OILQ_t$) و متغیر مجازی (DUMI) می‌توان از روش آزمون کرانه‌های پسران، شین و اسمیت (۲۰۰۱) مبتنی بر رویکرد تخمین مدل تصحیح خطای غیرمقید (UECM) شامل رابطه پویا و رابطه تعادلی بلندمدت استفاده کرد. شکل تصحیح خطای غیرمقید متغیرها به صورت زیر است:

$$\Delta GROW_t = \alpha + \beta t + \sum_{i=1}^p \Delta GROW_{t-i} + \sum_{i=1}^p \Delta GOVS_{t-i} + \sum_{i=1}^p \Delta INVEST_{t-i} + \sum_{i=1}^p \Delta OILP_{t-i} + OILQ_{t-i} + \delta_1 GROW_{t-1} + \delta_2 GOVS_{t-1} + \delta_3 INVEST_{t-1} + \delta_4 OILP_{t-1} + OILQ_{t-1} + DUMI$$

که در آن Δ عملگر تفاضل و p طول وقفه بهینه است.

براساس معیار شوارز-بیزین و برای حالتی که عرض از مبدأ غیرمقید و روند مقید باشد، طول وقفه بهینه به استناد جدول ۱، یک است.

جدول ۱. تعیین وقفه بهینه

درجه	معیار شوارز-بیزین
۰	-۴۵۱/۳۶
۱	-۴۰۶/۰۳
۲	-۴۲۲/۱۱
۳	-۴۲۵/۶۳
۴	-۴۲۰/۶۳
۵	-۴۲۳/۰۳
وقفه بهینه: $p = 1$	

منبع: یافته‌های تحقیق

بررسی تأثیر کوتاه‌مدت و بلندمدت اندازه دولت بر رشد اقتصادی ... ۴۳

با توجه به طول وقفه بهینه، مدل با استفاده از نرم‌افزار Microfit و به روش OLS تخمین زده شده و نتایج تخمین در جدول (۲) به صورت خلاصه ارائه شده است. شرط وجود رابطه همجمعی، اهمیت سطوح و وقفه متغیرها می‌باشد. بنابراین فرضیه مورد آزمون، فرضیه صفر عدم وجود رابطه بلندمدت یعنی:

$$H_0: \delta_1 = \delta_2 = \delta_3 = \delta_4 = 0$$

می‌باشد. در اینجا از آماره F برای بررسی اینکه همه ضرایب برابر صفر هستند (یعنی رابطه بلندمدت وجود ندارد)، استفاده می‌شود. از آنجا که آماره مذکور صرف‌نظر از اینکه متغیرها $I(1)$ یا $I(0)$ باشند دارای توزیع استاندارد نیست، لذا از مقادیر بحرانی که توسط پسران و دیگران (۱۹۹۶) ارائه شده است، می‌بایست استفاده کرد. تعداد رگرورها ۳ می‌باشد و الگوی فوق دارای جمله ثابت و متغیر مجازی می‌باشد. از طرفی، مدل هم دارای متغیرهای $I(1)$ و هم $I(0)$ می‌باشد. لذا، هم مقدار بحرانی حد بالا و هم حد پایین، مبنا قرار می‌گیرند. از آنجا که در سطح ۹۵٪، حد بالا برابر ۴/۲۴ و حد پایین برابر ۳/۲۵ می‌باشند (جدول ۲) و مقدار آماره F محاسباتی برای آزمون معنی‌داری تمامی ضرایب (۴/۹۹)، بیشتر از مقدار حد بالایی می‌باشد، لذا فرضیه صفر عدم وجود رابطه بلندمدت را می‌توان رد کرد.

جدول ۲. نتایج آزمون F برای وجود رابطه بلندمدت (نتایج آزمون فرضیه حذف متغیرهای اضافی)

در سطح ۹۰ درصد		در سطح ۹۵ درصد		آماره F
$I(0)$	$I(1)$	$I(0)$	$I(1)$	
۳/۰۲	۳/۴۵	۳/۲۵	۴/۲۴	۴/۹۹

منبع: یافته‌های تحقیق

۴-۵. نتایج حاصل از تخمین پویا (کوتاه‌مدت)

به منظور تخمین رابطه بلندمدت رشد اقتصادی و پویایی کوتاه‌مدت تعدیل‌های آن، از رویکرد مدلسازی ARDL پسران و شین (۱۹۹۹) و مدل تصحیح خطای غیرمقید (UECM) ارائه شده در قسمت قبل استفاده می‌شود.

در این مرحله، پس از اطمینان از وجود رابطه بلندمدت، مدل پویای ARDL با وقفه‌هایی که توسط شوارز-بیزین به وسیله سیستم تعیین می‌شود، نتایج تخمین کوتاه‌مدت مدل به صورت زیر می‌باشد (جدول ۳).

جدول ۳. نتایج تخمین به روش ARDL

متغیر	ضریب	آماره t	نتیجه (اطمینان ۹۰ درصد)
$GROW_{t-1}$	۰/۲۲	۲/۱۱	معنادار
$GROW_{t-2}$	-۰/۴۰	-۲/۰۱	معنادار
$GOVS$	-۱/۸۹	-۴/۵۰	معنادار
$GOVS_{t-1}$	۲/۰۱	۲/۰۲	معنادار
$OILP$	-۰/۴۶	-۱/۸۹	معنادار
$OILP_{t-1}$	۰/۲۱	۳/۰۱	معنادار
$OILQ$	-۱/۰۲	-۲/۱۱	معنادار
$OILQ_{t-1}$	۰/۸۶	۱/۲۵	معنادار
$INVEST$	۰/۳۳	۱/۰۲	معنادار
C	۰/۱۰۷	۰/۲۴	بی‌معنی
DUMI	-۱/۰۲	-۳/۰۱	معنادار
R ² = ۰/۸۹ F = ۳/۲۴ (۰/۰۰۰) DW = ۱/۹۹			
A: Serial correlation F = ۰/۱۱ (۰/۷۵۱)			
B: Functional form F = ۰/۰۵۸ (۰/۵۴۲)			
C: Normality F = ۰/۵۳ (۰/۲۰۱)			
D: Heteroscedasticity F = ۰/۰۲۱ (۰/۲۱۴)			

منبع: یافته‌های تحقیق

با مشخص شدن متغیرهای الگو، نتیجه برآورد مدل به روش ARDL به صورت زیر است:

$$GROW_t = 0/107 + 0/22GROW_{t-1} - 0/40GROW_{t-2} - 1/89GOVS_t + 2/01GOVS_{t-1} - 0/46OILP + 0/21OILP_{t-1} - 1/02OILQ_t + 0/86OILQ_{t-1} + 0/33INVEST_t - 1/02DUMI$$

همانگونه که ملاحظه می‌شود، علامت ضرایب تخمین زده شده با مبانی نظری سازگار است و تمامی آنها به جز C از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۰ درصد معنی دارند. ضریب تعیین مدل ۸۹

بررسی تأثیر کوتاه‌مدت و بلندمدت اندازه دولت بر رشد اقتصادی ... ۴۵

درصد می‌باشد که حاکی از قدرت توضیح‌دهندگی بالای مدل است. همچنین آزمون‌های آسیب‌شناسی^۱ برقراری تمامی فروض کلاسیک (عدم خودهمبستگی، شکل تبعی صحیح، نرمال بودن جملات پسماند و وجود واریانس همسانی) را برای مدل مورد نظر تأیید می‌کند.

۵-۵. نتایج حاصل از تخمین مدل بلندمدت

پس از انجام آزمون و اطمینان از وجود رابطه بلندمدت، ضرایب بلندمدت الگو برآورد گردیده که نتایج رابطه بلندمدت مربوط به مدل ARDL فوق با وقفه‌هایی که توسط شوارز-بیزین توسط سیستم تعیین می‌شود، به صورت زیر است. این رابطه بلندمدت در جدول (۴) نشان داده شده است.

جدول ۴. نتایج رابطه بلندمدت برای متغیر وابسته رشد اقتصادی (GROW)

متغیر	ضریب	آماره t	سطح احتمال	نتیجه (اطمینان ۹۰ درصد)
GOVS	-۰/۲۶	-۱/۲۴	۰/۰۰۲	معنادار
OILP	۰/۳۲	۲/۰۲	۰/۰۲۳	معنادار
OILQ	۰/۵۶	۱/۲۶	/۰۴۲	معنادار
INVEST	۰/۲۲	۱/۰۲	۰/۰۰۶	معنادار
C	۰/۴۵	۰/۱۲	۰/۵۶	بی‌معنا
DUMI	-۰/۲۵	-۱/۰۱	۰/۰۰۱	معنادار

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج فوق، رابطه بلندمدت بین اندازه دولت و رشد اقتصادی به صورت زیر است:

$$GROW_t = 0/45 - 0/26GOVS_t + 0/32OILP + 0/56OILQ + 0/22INVEST_t - 0/25DUMI$$

همانگونه که در جدول (۴) رابطه بلندمدت مشاهده می‌شود، تمامی ضرایب به جز عرض از مبدأ در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار هستند. ضریب اندازه دولت برابر با -۰/۲۶ است که نشان می‌دهد اندازه دولت اثر منفی و معناداری بر روی رشد اقتصادی دارد؛ یعنی چنانچه اندازه دولت یک واحد افزایش یابد، با فرض ثابت بودن سایر عوامل، رشد اقتصادی ۰/۲۶ کاهش می‌یابد. تفسیر اقتصادی آن این است که افزایش اندازه دولت ازدحام در بخش خصوصی، مخصوصاً سرمایه‌گذاری خصوصی را کاهش می‌دهد. در نتیجه، رشد بهره‌وری و رقابت بین‌المللی کاهش و

نرخ رشد اقتصادی کاهش می‌یابد. همچنین، وقتی که بخش دولتی بزرگ باشد، بخش خصوصی نسبتاً کوچک خواهد شد و توانایی مؤسسات خصوصی برای ایجاد فعالیت‌های مولد اقتصادی کم می‌شود و در نتیجه نرخ رشد اقتصادی کاهش می‌یابد.

ضریب متغیر قیمت نفت برابر $0/32$ می‌باشد. این ضریب نشان می‌دهد که در بلندمدت با فرض ثابت بودن سایر متغیرها یک واحد تغییر در قیمت نفت نرخ رشد اقتصادی را به میزان $0/32$ واحد افزایش خواهد داد.

ضریب متغیر درآمد نفت برابر $0/56$ می‌باشد. این ضریب نشان می‌دهد که در بلندمدت با فرض ثابت بودن سایر متغیرها یک واحد تغییر در درآمد نفت نرخ رشد اقتصادی را به میزان $0/56$ واحد افزایش خواهد داد.

ضریب نسبت سرمایه‌گذاری به GDP حقیقی در رابطه بلندمدت برابر با $0/22$ است؛ یعنی به ازای یک واحد افزایش در نسبت سرمایه‌گذاری به GDP حقیقی، نرخ رشد اقتصادی به میزان $0/22$ واحد افزایش می‌یابد.

متغیر مجازی نیز معنی‌دار و دارای ضریب منفی می‌باشد. این ضریب نشان می‌دهد که علاوه بر متغیرهای اقتصادی، متغیرهای غیراقتصادی نیز بر رشد اقتصاد ایران مؤثر است. بررسی ضرایب مدل در بلندمدت بیانگر برآورده شدن انتظارات تئوریک مبنی بر تأثیر منفی اندازه دولت بر رشد اقتصادی می‌باشد.

۵-۶. برآورد الگوی تصحیح خطا (ECM)

روش خودبازگشتی با وقفه‌های توزیعی برای بررسی انحراف کوتاه مدت متغیرها از مقادیر تعادلی خود، الگوی تصحیح خطا (ECM) را برای رابطه بلندمدت تنظیم و برآورد می‌کند. از آنجا که در رگرسیون‌های بالا وجود رابطه بلندمدت اثبات شد، در ادامه تحقیق به بررسی مدل تصحیح خطای رگرسیون‌ها پرداخته می‌شود. در این تحقیق از مدل ARDL برای بدست آوردن روابط بلندمدت استفاده شده است، مدل تصحیح خطا نیز از مدل ARDL برآورد می‌شود.

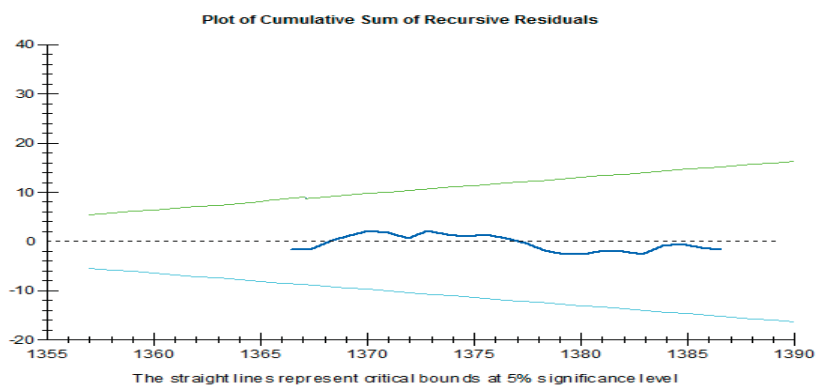
در الگوی تصحیح خطا نیز ضرایب تمامی متغیرها به جز عرض از مبدأ، در رابطه کوتاه‌مدت در سطح اطمینان ۹۵ درصد از لحاظ آماری معنادارند. آنچه در مدل تصحیح خطا بیش از همه حائز اهمیت است ضریب جمله تصحیح خطا (ECM-1) است، که نشان‌دهنده سرعت تعدیل فرآیند عدم تعادل است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این ضریب معنی‌دار و دارای علامت

بررسی تأثیر کوتاه‌مدت و بلندمدت اندازه دولت بر رشد اقتصادی ... ۴۷

منفی است و هم‌جمع‌ی بین متغیرها را تأیید می‌کند. مطابق انتظارات تئوریک، اگر از یک دوره به دوره بعدی حرکت کنیم، به میزان ۵۹ درصد از میزان انحراف در تابع از مسیر بلندمدت خود توسط متغیرهای الگو در دوره بعد تصحیح می‌شود. بنابراین، حرکت به سمت تعادل نسبتاً با سرعت بالایی صورت می‌گیرد.

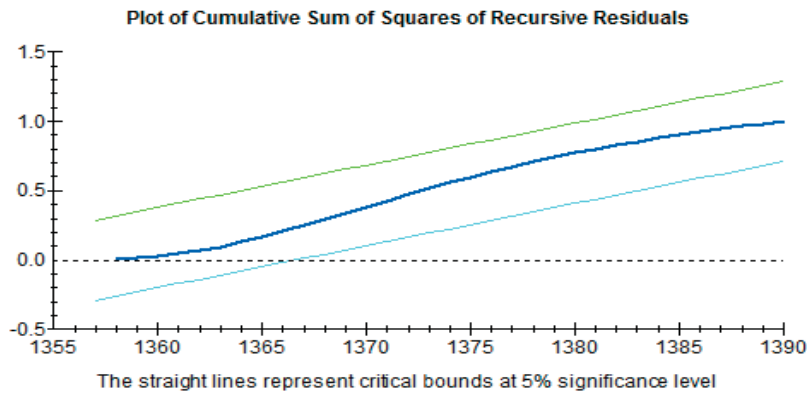
۵-۷. نتایج آزمون ثبات ساختاری

پایداری ضرایب با آزمون cusum^1 بررسی شده که نتایج آزمون نشان داد که ضرایب مدل برآورد شده طی دوره مورد بررسی پایدار است (نمودار ۱ و ۲). همانطور که نتایج تخمین و نمودارهای پسماند تجمعی و مجذور نشان می‌دهند، فاصله اعتماد ۹۵ درصد توسط نمودارها قطع نشده است بنابراین فرضیه صفر مبنی بر وجود ثبات ساختاری پذیرفته و وجود عدم آن رد می‌شود.



نمودار ۱. نتایج آزمون ثبات ساختاری با روش محاسبه آماره پسماند تجمعی (CUSUM)

منبع: یافته‌های تحقیق



نمودار ۲. نتایج آزمون ثبات ساختاری با روش محاسبه آماری پسماند تجمعی (CUSUMSQ)

منبع: یافته‌های تحقیق

۵-۸. تجزیه واریانس

تجزیه و تحلیل اثرات متقابل پویا از تکانه‌ها ایجاد شده در الگو، با استفاده از روش‌های توابع عکس‌العمل آبی و تجزیه واریانس صورت می‌گیرد. با استفاده از توابع عکس‌العمل می‌توان واکنش متغیرهای درونزا در صورت ورود شوک به متغیرهای مدل را مورد بررسی قرار داد. در این روش، سهم تکانه‌های وارد شده به متغیرهای مختلف الگو در واریانس خطای پیش‌بینی یک متغیر، در کوتاه‌مدت و بلندمدت مشخص می‌شود. به طور مثال، اگر متغیری براساس مقادیر با وقفه خود به طور بهینه قابل پیش‌بینی باشد، آنگاه واریانس خطای پیش‌بینی تنها براساس تکانه‌های وارد شده بر آن متغیر شرح داده می‌شود. با تجزیه واریانس خطای پیش‌بینی، سهم نوسانات هر متغیر در واکنش به تکانه وارد شده به متغیرهای الگو تقسیم می‌شود و به این صورت می‌توان سهم هر متغیر را بر روی تغییرات متغیرهای دیگر، در طول زمان اندازه‌گیری کرد (تشکینی، ۱۳۸۴).

در این قسمت تابع عکس‌العمل اثرات شوک‌های وارد شده از اندازه دولت، نسبت سرمایه‌گذاری به GDP و شاخص قیمت نفت و درآمد نفت بر روی رشد اقتصادی بررسی می‌شود.

نتایج حاصل از تجزیه واریانس برای متغیر رشد اقتصادی، در یک افق زمانی بیست ساله در جدول (۵) ارائه شده است. با توجه به این نتایج، می‌توان گفت که:

بررسی تأثیر کوتاه‌مدت و بلندمدت اندازه دولت بر رشد اقتصادی ... ۴۹

- به طور میانگین سهم بی‌ثباتی متغیر رشد اقتصادی، در توجیه نوسانات خود طی کوتاه‌مدت یا افق زمانی پنج ساله، ۷۴ درصد، در میان‌مدت یا افق زمانی ده ساله، ۶۶ درصد و در بلندمدت یا افق زمانی بیست ساله، ۵۶ درصد است.
- به طور میانگین سهم بی‌ثباتی متغیر اندازه دولت در توجیه نوسانات رشد اقتصادی طی کوتاه‌مدت (پنج ساله)، ۶ درصد، در میان‌مدت (ده ساله)، ۲۲ درصد و در بلندمدت یا افق زمانی بیست ساله، ۱۰ درصد است.
- به طور میانگین سهم بی‌ثباتی متغیر قیمت نفت در توجیه نوسانات رشد اقتصادی طی کوتاه‌مدت (پنج ساله)، ۶ درصد، در میان‌مدت (ده ساله)، ۱۰ درصد و در بلندمدت یا افق زمانی بیست ساله، ۵۱ درصد است.
- به طور میانگین سهم بی‌ثباتی متغیر درآمد نفت در توجیه نوسانات رشد اقتصادی طی کوتاه‌مدت (پنج ساله)، ۱۱ درصد، در میان‌مدت (ده ساله)، ۱۴ درصد و در بلندمدت یا افق زمانی بیست ساله، ۲۲ درصد است.
- به طور میانگین سهم بی‌ثباتی متغیر سرمایه‌گذاری در توجیه نوسانات رشد اقتصادی طی کوتاه‌مدت (پنج ساله)، ۱۶ درصد، در میان‌مدت (ده ساله)، ۲۲ درصد و در بلندمدت یا افق زمانی بیست ساله، ۲۸ درصد است.

جدول ۵. نتایج حاصل از تجزیه واریانس برای متغیر رشد اقتصادی

دوره	GROW	GOVS	OILP	OILQ	INVEST
۱	۰/۸۶۲۳	۰/۰۵۳	۰/۰۰۴۲۳	۰/۰۱۲۵۳	۰/۱۲۳
۲	۰/۸۰۱۲۳	۰/۰۵۹۲	۰/۰۵۲۳۱	۰/۰۱۲۱۲	۰/۱۲۵
۳	۰/۷۴۰۱۶	۰/۰۶۵۴۲	۰/۰۶۰۳۹	۰/۰۱۱۷۱	۰/۱۵۶۹
۴	۰/۶۷۹۰۹	۰/۰۷۱۶۴	۰/۰۰۹۱۴۷	۰/۰۱۱۳	۰/۱۸۸۸
۵	۰/۶۱۸۰۲	۰/۰۷۷۸۶	۰/۱۹۶۵۵	۰/۰۱۰۸۹	۰/۲۲۰۷
میانگین ۵ دوره	۰/۷۴۰۱۶	۰/۰۶۵۴۲۴	۰/۰۶۴۵۲۵	۰/۰۱۱۷۱	۰/۱۶۲۸۸
۶	۰/۶۰۱۲۳	۰/۰۹۶۳۲	۰/۲۹۲۷۱	۰/۰۱۵۲۳	۰/۲۵۳۲
۷	۰/۶۰۰۰۴۲	۰/۰۹۹۸۷	۰/۳۴۰۷۹	۰/۰۱۶۲۳۵	۰/۲۶۵۲
۸	۰/۵۹۸۸۵۴	۰/۱۰۲۱	۰/۳۸۸۸۷	۰/۰۱۷۲۴	۰/۲۷۷۲
۹	۰/۵۹۷۶۶۶	۰/۱۰۴۳۳	۰/۴۳۶۹۵	۰/۰۱۸۲۴۵	۰/۲۸۹۲

۱۰	۰/۵۹۶۴۷۸	۰/۱۰۶۵۶	۰/۴۸۵۰۳	۰/۰۱۹۲۵	۰/۳۰۱۲
میانگین ۱۰ دوره	۰/۶۶۹۵۰۷	۰/۰۸۳۶۳	۰/۲۲۶۶۹۸	۰/۰۱۴۴۷۵	۰/۲۲۰۰۴
۱۱	۰/۵۹۵۶۱	۰/۱۰۷۸۹	۰/۵۸۱۱۹	۰/۰۲۳۵	۰/۳۱۰۲
۱۲	۰/۵۹۲۱۳	۰/۱۱۲۰۲	۰/۶۲۹۲۷	۰/۰۲۵۵۴	۰/۳۲۳۵
۱۳	۰/۵۸۸۶۵	۰/۱۱۶۱۵	۰/۶۷۷۳۵	۰/۰۲۷۵۸	۰/۳۳۶۸
۱۴	۰/۵۸۵۱۷	۰/۱۲۰۲۸	۰/۷۲۵۴۳	۰/۰۲۹۶۲	۰/۳۵۰۱
۱۵	۰/۵۸۱۶۹	۰/۱۲۴۴۱	۰/۷۷۳۵۱	۰/۰۳۱۶۶	۰/۳۶۳۴
۱۶	۰/۵۷۸۲۱	۰/۱۲۸۵۴	۰/۸۲۱۵۹	۰/۰۳۳۷	۰/۳۷۶۷
۱۷	۰/۵۷۴۳۷	۰/۱۳۲۶۷	۰/۸۶۹۶۷	۰/۰۳۵۷۴	۰/۳۹
۱۸	۰/۵۷۱۲۵	۰/۱۳۶۸	۰/۹۱۷۷۵	۰/۰۳۷۷۸	۰/۴۰۳۳
۱۹	۰/۵۶۷۷۷	۰/۱۴۰۹۳	۰/۹۶۵۸۳	۰/۰۳۹۸۲	۰/۴۱۶۶
۲۰	۰/۵۶۴۲۹	۰/۱۴۵۰۶	۱/۰۱۳۹۱	۰/۰۴۱۸۶	۰/۴۲۹۹
میانگین ۲۰ دوره	۰/۵۸۱۶۱۴	۰/۱۰۲۴۰۳	۰/۵۱۱۹۱۲	۰/۰۲۲۹۵۱	۰/۲۸۸۸۹۵

منبع: محاسبات تحقیق

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

برای بررسی همجمعی (رابطه بلندمدت) میان متغیرها از روش آزمون کرانه‌های پسران، شین و اسمیت (۲۰۰۱) مبتنی بر رویکرد تخمین مدل تصحیح خطای غیرمقید (UECM) شامل رابطه پویا و رابطه تعادلی بلندمدت استفاده شده است. نتایج نشان داد که متغیرها در بلندمدت همجمع هستند. نتایج تخمین کوتاه‌مدت و بلندمدت مدل مورد نظر در این تحقیق، تأثیر منفی اندازه دولت بر رشد اقتصادی را اثبات نموده است. براساس تخمین مدل مورد نظر تمامی متغیرها معنادار و دارای ضریب مورد نظر بودند. آزمون فرضیات تحقیق با توجه به نتایج تخمین مدل به صورت زیر می‌باشد.

- متغیر اندازه دولت دارای تأثیر منفی (۰/۲۶-) بر رشد اقتصادی ایران بوده است، بنابراین فرضیه اول تحقیق مورد پذیرش قرار می‌گیرد.
- متغیر قیمت نفت دارای تأثیر مثبت (۰/۳۲) بر رشد اقتصادی بوده و فرضیه دوم تحقیق را تأیید می‌کند.

بررسی تأثیر کوتاه‌مدت و بلندمدت اندازه دولت بر رشد اقتصادی ... ۵۱

- متغیر درآمد نفت دارای تأثیر مثبت (۰/۵۶) بر رشد اقتصادی بوده و فرضیه سوم تحقیق را تأیید می‌کند.
- متغیر مخارج سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت (۰/۲۲) داشته است و حکایت از پذیرش فرضیه چهارم تحقیق دارد.
- متغیر مجازی سالهای جنگ و انقلاب دارای تأثیر منفی (۰/۲۵-) بر رشد اقتصادی بوده و فرضیه پنجم تحقیق را تأیید می‌کند.
- میزان تأثیرگذاری اندازه دولت بر رشد اقتصادی در بلندمدت کمتر از کوتاه‌مدت می‌باشد و این حکایت از رد فرضیه ششم تحقیق دارد.

گسترش بیش از حد مطلوب اندازه دولت در ایران، اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد. به همین دلیل، نقش دولت در اقتصاد ما باید کاهش یابد یا حداقل دولت در موارد ضروری در اقتصاد دخالت کند زیرا با کاهش اندازه دولت در اقتصاد، رشد اقتصادی افزایش خواهد یافت.

از سویی با توجه به این که روند خصوصی‌سازی طی چند سال اخیر مطرح شده است و با توجه به تأثیر مثبت سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی در مدل، انتظار می‌رود دولت با واگذاری سرمایه‌گذاری‌ها به بخش خصوصی بتواند رشد اقتصادی را تسریع کند. لذا بایستی شرایط مناسب به منظور تشویق بخش خصوصی در بخش سرمایه‌گذاری همراه با اعمال مدیریت بهتر در بخش دولتی فراهم گردد. گرچه کوچک بودن دولت و کم شدن سهم مخارج دولت از تولید ناخالص داخلی می‌تواند موجب رشد اقتصادی شود ولی، آنچه اهمیت دارد مدیریت مالیه عمومی و کارآمدی دولت است که می‌تواند در رشد اقتصادی نقش مهمی ایفا کند. به همین دلیل دولت باید به مدیریت مخارج عمومی تأکید بیشتری ورزد.

انتظار می‌رود با کاهش اندازه دولت، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و ازدحام در بخش خصوصی، مخصوصاً سرمایه‌گذاری خصوصی، افزایش یابد. در نتیجه، رشد بهره‌وری و رقابت بین‌المللی افزایش و نرخ رشد اقتصادی نیز افزایش یابد. این نیز دلیل دیگری برای کاهش نقش اندازه دولت در اقتصاد ایران است. با توجه به تأثیر منفی متغیر امنیت (جنگ و انقلاب) بر رشد اقتصادی کشور در جهت حفظ امنیت و آرامش در کشور تلاش بیشتری انجام شود.

منابع

الف - فارسی

- بدن، لویی (۱۳۵۶)، *تاریخ عقاید اقتصادی*، هوشنگ نهماوندی، تهران، انتشارات مروارید.
- پورفرج، ع. (۱۳۸۳)، «اثر تأمین مالی اندازه دولت بر رشد اقتصاد ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، سال ۳ (۱۱ و ۱۲)، صفحات ۱۴۲-۱۱۹.
- تشکینی، ا. (۱۳۸۴)، *اقتصادسنجی کاربردی به کمک microfit*، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری دیباگران.
- تفضلی، ف. (۱۳۷۵)، *تاریخ عقاید اقتصادی*، تهران، انتشارات نشر نی.
- خدارحمی، ر. (۱۳۷۲)، «تأثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی.
- زیبایی، م. و م. زهرا (۱۳۸۸)، «اندازه دولت و رشد اقتصادی در ایران با تأکید بر رشد بخش کشاورزی: رهیافت رگرسیون آستانه‌ای»، *مجله اقتصاد و توسعه کشاورزی*، سال ۵ (۲۳): صفحات ۲۰-۱۱.
- سوری، ع. (۱۳۸۱)، «کارایی اقتصادی و اندازه دولت»، *مجله پژوهشنامه اقتصادی*، صفحات ۱۵۱-۱۶۶.
- شکیبایی، ع. (۱۳۷۸)، *مالیه عمومی*، تهران، انتشارات نور علم.
- صیادزاد، ع. (۱۳۸۳)، بررسی رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی در ایران: برآورد منحنی آرمی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
- عسلی، م. (۱۳۸۳)، «تأثیر افزایش مخارج دولت بر رشد اقتصادی کشور در یک مدل اقتصادی ساده»، *مجله برنامه و بودجه*، سال ۲۲ (۸۵): صفحات ۶۵-۴۱.
- قوام مسعودی، ز. (۱۳۷۱)، اثر مخارج دولت و عرضه پول روی نرخ بیکاری: مطالعه موردی اقتصاد ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- کیتز، ج. (۱۳۴۸)، *نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول*، منوچهر فرهنگ؛ تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- گجراتی، د. (۱۳۸۵)، *مبانی اقتصادسنجی*، حمید ابریشمی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- لاژوژی، ژ. (۱۳۶۷)، *مکتب‌های اقتصادی*، جهانگیر افکاری؛ تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

بررسی تأثیر کوتاه‌مدت و بلندمدت اندازه دولت بر رشد اقتصادی ... ۵۳

نیلی، م. و س. صالحی (۱۳۸۵)، «تأثیر فعالیتهای دولت بر رشد اقتصادی - بررسی موردی: ایران»، مجموعه مقالات شانزدهمین کنفرانس سالانه سیاست‌های پولی و ارزی، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

ب- انگلیسی

- Abrams, B. A. (1999), "The Effect of Government Size on The Unemployment Rate", *Public choice*, 99(3-4): 395-401.
- Barro, R. (1991), "Economic Growth in a Cross Section of Countries", *Quarterly Journal of Economics*, 106(3): 407-443.
- Feldman, Horst (2006), "Government Size and Unemployment: Evidence from Industrial Countries", *Public Choice*, 127(4): 451-467.
- Folster, S. and M. Henrekson (2006), "Growth effects of government expenditure and taxation in rich countries", *European Economic Review*, 50(3): 219-221.
- Gwartney, J., Lawson, R. and R. Holcombe (1998), The size and functions of government and economic growth. Joint Economic Committee.
- Hassan, A. and M. Strazicich (1999), Is Government Size Optimal in the Gulf Countries of Middle East? An Empirical Investigation, The Ohio State University Columbus.
- Heitger, B. (2001), "The Scope of Government and Its Impact on Economic Growth in OECD Countries", Kiel Working Paper No.1034. Kiel: Institute of World Economics.
- Pesaran, M. H., Shin, Y. and R. J. Smith (2001), "Bounds Testing Approaches to the Analysis of Level Relationships", *Journal of Applied Econometrics* (special issue) in honour of J D sargan on the theme, Studies in Empirical Macroeconometrics, (eds) D.F. Hendry and M.H pesaran 16(2): 289-326.
- Yak, Wing (2005), "Government Size and Economic Growth: Time-Series Evidence For The United Kingdom", *Econometrics*, Working Paper EWP0501, ISSN 1485-6441, January.
- Yasin, Mesghena (2001), "Public Spending and Economic Growth: Empirical Investigation of Sub-Saharan Africa", *Southwestern Economic Review*, 30.
- Yuan, M. & W. And Li (2000), "dynamic Employment and Hours Effects of Government Spending Shocks", *Journal of Economic Dynamics and Control*, 24(8) 1233-1263.